



دعای حمد و سپاس خدای تعالی

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ فَقَالَ

از دعاهای امام علیه السلام است که قبل از آغاز هر دعا شروع به حمد و سپاس خدای تعالی و ثنای اوی گفت و همواره روش آن حضرت چنین بوده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ

حمد و سپاس خدای راه، آن نخستین بی پیشین را و آن آخرین بی پسین راه،

الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

خداوندی را که دیده بینایان از دیدارش قاصر آید و اندیشه واصفان از نعت او فروماند.

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا

آفریدگان را به قدرت خود ابداع کرد و به مقتضای مشیت خویش جامه هستی پوشید

ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ

و به همان راه که ارادت او بود روان داشت و رهسپار طریق محبت خویش گردانید.



لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا أَعْمًا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ وَلَا يُسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ

چون ایشان را به پیش راند، کس را یارای واپس گراییدن نبود، و چون واپس دارد، کس را یارای پیش تاختن نباشد.

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ

هر زنده جانی را از رزق مقسوم خویش توشه ای معلوم نهاد؛

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

آن سان که کس نتواند از آن که افزونش داده، اندکی بکاهد و بر آن که اندکش عنایت کرده، چیزی بیفزاید.

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا وَنَصَبَ لَهُ أَمْدًا مَحْدُودًا

سپس هر یک از آدمیان را عمری معین مقرر کرد و مدتی محدود

يَخْطَاهُ إِلَيْهِ بِأَيَّامٍ عُمْرِهِ وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ

که با گامهای روزها و سالهایش می پیماید، تا آنگاه که به سر آردش؛ آن سان که چون آخرین گامها را بر دارد و پیمانۀ عمرش لبریز شود،



قَبْضُهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ

او را فرو گیرد: یا به ثواب فراوانش بنوازد، یا به ورطه عقابی خوفناکش اندازد،

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ عَدْلًا مِنْهُ

تا بدکاران را به کیفر عمل خویش برساند و نیکوکاران را به پاداش کردار نیک خویش و این خود عین عدالت اوست.

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ آوَاهُ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

منزه و پاک است نامهای او و ناگسستنی است نعمتهای او. کس را نرسد که او را در برابر اعمالش باز خواست کند و اوست که همگان را به باز خواست کشد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَىٰ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمَتَابَعَةَ

حمد و سپاس خداوندی را که اگر معرفت حمد خویش را از بندگان خود دریغ می داشت، در برابر آن همه نعمتها که از پس یکدیگر بر آنان فرو می فرستاد،

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ لِتَصَرُّفِهَا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ

آن نعمتها به کار می داشتند و لب به سپاسش نمی گشادند، به رزق او فراخ روزی می جستند و شکرش نمی گفتند.



وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ

و اگر چنین می بودند از دایره انسانیت برون می افتادند و در زمره چارپایان در می آمدند. چنان می شدند که خدای تعالی در محکم تنزیل خود گفته است:

(إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا)^۱

چون چارپایانند، بل از چارپایان هم گمراه تر.»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَالْهُمْنًا مِنْ شُكْرِهِ وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

حمد و سپاس خداوندی را که خود را به ما شناسانید و شیوه سپاسگزاری اش را به ما الهام کرد و ابواب علم ربوبیت خویش را به روی ما بگشاد

وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِحْطَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

و ما را به اخلاص در توحید او راه نمود و از الحاد و تردید در امر وی به دور داشت.

حَمْدًا نَعْمَرُ بِهِ فِيمَنْ حَمَدُ مِنْ خَلْقِهِ وَنُسَبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ

او را سپاس گوئیم، چنان سپاسی که چون در میان سپاسگزارانش زیستن گیریم، همواره با ما باشد و به یاری آن از همه آنان که خواستار خشنودی و بخشایش او هستند گوی سبقت برابیم.

^۱ (سوره الفرقان، آیه ۴۴).



حَمْدُ أَيُّضِيءَ لَنَا بِهَ ظُلْمَاتِ الْبُرْزَخِ وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهَ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ وَيُشْرِفُ بِهَ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

آن چنان سپاسی که تابشش تاریکی وحشت افزای گور بر ما روشن گرداند و راه رستخیز برای ما هموار سازد

يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و در آن روز که هر کس به جزای عمل خویش رسد و بر کس ستم نرود و هیچ دوستی از دوست خویش دفع مضرت نتواند و کس به کس یاری نرساند،

حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عَلِيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

چون در موقف بازخواست ایستیم، منزلت ما برافرازد و بر مرتبت ما بیفزاید.

حَمْدًا تَقْرُبُهُ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ وَتَبَيَّضُ بِهَ وُجُوهُنَا إِذَا سَوَّدَتِ الْأَبْشَارُ

حمد و سپاسی آنچنان که نوشته در نامه عمل ما به اعلی علیین فرا رود و فرشتگان مقرب بر آن گواهی دهند.

حَمْدًا نَعْتَقُ بِهَ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

حمد و سپاسی آنچنان که در آن روز که دیدگان را پرده حیرت فرو گیرد، دیدگان ما بدان روشنی گیرد و در آن روز که گروهی سیه روی شوند، ما سپیدروی گردیم. حمد و سپاسی آنچنان که ما را از آتش دردناک خداوندی

برهاند و در جوار کرمش بنشاند.



حَمْدًا نَزَّاحِمٌ بِهِ مَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ وَنُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُ هُ الرُّسُلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَمَحَلٌّ
كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ

حمد و سپاسی آنچنان که ما را با فرشتگان مقرب او همنشین سازد و در آن سرای جاوید که جایگاه کرامت
همیشگی اوست با پیامبران مرسل همدوش گرداند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

حمد خداوندی را که سیرتها و صورتهای پسندیده را برای ما برگزید و روزیهای خوش و نیکو را به ما ارزانی
داشت.

وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا
بِعِزَّتِهِ

خداوندی که ما را آن گونه برتری داد که بر همه آفریدگان سلطه یابیم، چندان که به قدرت او هر آفریده
فرمانبردار ماست و به عزت او در ربه طاعت ما.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

سپاس خداوندی را که جز به خود، در نیاز را به روی ما فرو بست.



فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ لَأَمَتِي

چگونه از حمد او بر آییم؟ کی سپاسش توانیم گفت؟ نمی توانیم، کی توانیم؟

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبُسْطِ وَجَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ

حمد خداوندی را که در پیکر ما ابزارهایی نهاد که توان بست و گشادمان باشد

وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ وَأَثَبَتْ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ

و به نعمت روح، زندگیمان عنایت فرمود و اندامهایی داد که به نیروی آنها کارها توانیم ساخت و ما را از هر چه خوش و گوارنده است روزی داد و به فضل خویش بی نیاز گردانید و به من و کرم خود سرمایه بخشید.

ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُحْتَبَرَ طَاعَتَنَا وَنَهَانَا لِيُبْتَلَى شُكْرُنَا فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

و تا فرمانبرداری و سپاسگزاریمان بیازماید، به کارهایی فرمان داد و از کارهایی نهی فرمود. چون از فرمانش سر برتافتیم و بر مرکب عصیان برنشستیم،

فَلَمْ يَتَدَرْنَا بِعُقُوبَتِهِ وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا وَانْتَظَرْنَا مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

به عقوبت ما نشتافت و در انتقام از ما تعجیل روا نداشت، بلکه به رحمت و کرامت خویش ما را زمان داد و به رأفت و حلم خود مهلت عطا فرمود، باشد که بازگردیم.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نَفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

حمد و سپاس خداوندی را که ما را به توبه راه نمود. و اگر پرتو فضل او نبود، هرگز بدان راه نمی یافتیم.

فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

و اگر از فضل او تنها به همین یک نعمت بسنده می کردیم، باز هم دهش او به ما نیکو و احسان او در حق ما جلیل و فضل و کرمش بس کرامند می بود،

فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

که روش او در قبول توبه پیشینیان نه چنین بود. ما را از هر چه فراتر از تاب و توانمان بود معاف داشت

وَلَمْ يَكْلَفْنَا إِلَّا الْوُسْعَ وَلَمْ يُجَسِّمْنَا إِلَّا الْيُسْرَ وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا

و جز به اندازه توانمان تکلیف نفرمود و جز به اعمال سهل و آسانمان و نداشت، تا هیچ یک از ما را عذری و حجتی نماند.

فَالْهَالِكُ مِمَّا مَنَ هَلَكَ عَلَيْهِ وَالسَّعِيدُ مِمَّا مَنَ رَغِبَ إِلَيْهِ

هر که از ما سر از فرمانش برتابد، کارش به شقاوت کشد و آن که به درگاه او روی کند، تاج سعادت بر سر نهد.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

حمد و سپاس خدای را، بدان سان که مقرب‌ترین فرشتگانش و گرامی‌ترین آفریدگانش و ستوده‌ترین ستاینندگانش می‌ستایند.

حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

حمدی برتر از هر حمد دیگر، آن سان که پروردگار ما از همه آفریدگان خود برتر است.

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا حَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

حمد باد او را به جای هر نعمتی که بر ما و بر دیگر بندگان در گذشته و زنده خود دارد، به شمار همه چیزها که در علم بی‌انتهای او گنجد

وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا عَدْدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و چند برابر نعمتهایش، حمدی بی‌آغاز و بی‌انجام و تا روز رستاخیز،

حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ وَلَا مَبْلَغَ لِعَايَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

حمدی که حدی و مرزی نشناسد و حسابش به شمار در نیاید و پایانش نبود و زمانش در نگسلد.



حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوَهُ وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ

حمدی که ما را به فرمانبرداری و بخشایش او رساند و خشنودی اش را سبب گردد و آمرزش او را وسیله باشد

وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ وَخَفِيرًا مِنْ نَقَمَتِهِ وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ وَظَهْرًا عَلَى طَاعَتِهِ

و راهی بود به بهشت او پناهگاهی بود از عذاب او و آسایشی بود از خشم او و یابوری بود بر طاعت او

وَ حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوِظَائِفِهِ

و مانعی بود از معصیت او و مددی بود بر ادای حق و تکالیف او.

حَمْدًا أَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَنَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ

حمدی که ما را در میان دوستان سعادت‌مندش کامروا کند و به زمره آنان که به شمشیر دشمنانش به فوز

شهادت رسیده اند درآورد. انه ولی حمید.